



گزارشی از شکل‌گیری هیئت منتظران ظهور که در پارکینگ بوستان ارم میزبان عزاداران است

۱۸ شبانه روز خدمت فاطمی

عکس: فهیمه فرخی / شهرآرا

ابوالفضل عباسی، نوجوان رزمی‌کار طبرسی شمالی، لذت بالابردن پرچم ایران را در مسابقات جهانی چشیده است

ورزش هزینه نیست
سرمایه‌گذاری است



۲

همسایه به همسایه، دیدار نهم
کوچه چهارده معصوم^(ع) ۳۱
همسایه‌های دلگرم‌کننده در دروی

۷

درباره پایگاه ازدواج آسان در محله فاطمیه
که از ماه پیش، شکل رسمی به خود گرفته است
۱۸ پیوند مبارک
ثمره واسطه‌گری در مسجد

همسایه به همسایه، دیدار نهم، کوچه چهارده معصوم ۳۱^(ع)

همسایه‌های دلگرم‌کننده در دروی

فرزانه شهامت سابقه آشنایی همسایه‌های کوچه «چهارده معصوم ۳۱» در محله دروی، چیزی است در حد و اندازه سن و سالشان. آن‌ها متولد یا بزرگ شده همین کوچه پس‌کوچه‌ها هستند و دلشان غنچ می‌رود برای قدیم‌هایی که امکانات محله، حداقل ممکن بود اما همسایه‌ها آن قدر همراه و خونگرم بودند که جای تمام نداشته‌ها را پر می‌کرد و کمبودها، کسی را آزار نمی‌داد. انبوه ساخت و سازها در دهه‌های اخیر و تغییر فرهنگ اهالی، در راه و رسم همسایه‌های خوش نام این کوچه، تغییری ایجاد نکرده است و آن‌ها با حفظ خوبی‌های گذشته‌شان با هم معاشرت می‌کنند.

● پدر شهید بودن، براننده محمد آقاست

همسایه‌ها، محمد سالاری را نه فقط به واسطه رفتار نیک خودش، بلکه به پدر مرحومش می‌شناسند که سال‌ها، پیش‌نماز مسجد جامع دروی بود. تاسوعای سال ۹۵ که محمود، فرزند محمد آقا، در جبهه مقاومت با داعشی‌ها به شهادت رسید، افتخار پدر شهید بودن به فهرست دلایل خوش‌نامی آقای سالاری اضافه شد. او در روزهایی که کرونا، همسایه‌های خیابان چهارده معصوم^(ع) و دیگر کوچه‌های محله دروی را یکی پس از دیگری، درگیر و خانه‌نشین می‌کرد، بارفقای جهادی‌اش کم نگذاشت در رسیدگی به بیمارانی که عیادت‌کننده و رسیدگی‌کننده‌ای نداشتند. می‌گوید: با همه مساجد و هیئت‌های محله، ارتباط دارم و هر کاری از دستم بر بیاید، برای رفع مشکلات مردم انجام می‌دهم. مشکلی که یک سال است با کمک هم محله‌ای‌ها در حال پیگیری از استانداری و فرمانداری هستیم، موقوفه‌های خاص است که جلو پیشرفت دروی را گرفته و تاحل آن، دست از پیگیری بر نمی‌داریم.

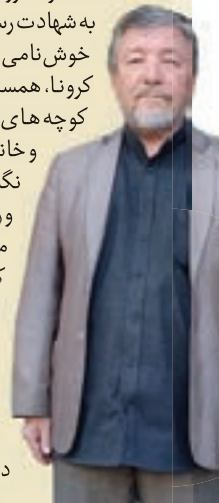


● شناخت دقیق نیازمندان محله

از سالاری می‌خواهیم یکی از همسایه‌های خوب خود را معرفی کند. او حسین بیابانی را نشانمان می‌دهد و می‌گوید: آقای بیابانی، همه چیز تمام است و از همسایه خوب بودن، هیچ کم ندارد. من او را پنجاه سالی هست که می‌شناسم؛ از وقتی که یک کودک شش‌هفت‌ساله بود. حواسش به همسایه‌های نیازمندش هست و ما هم در هیئت ابا عبد...^(ع)، اگر کمکی به دستمان برسد، برای رساندن به دست نیازمند واقعی از آقای بیابانی کمک می‌گیریم. دلیل شناخت کامل بیابانی از نیازمندان کوچه و محله را این طور می‌شنویم: ده دوازده سالی هست که در خیریه حضرت زهرا^(س) فعالیت می‌کنم. دفتر خیریه، کنار رستورانم است. در محله دروی و کنار وظایفم در شورای اجتماعی، سعی می‌کنم امورات هیئت متوسلین به حضرت زهرا^(س) و خیریه را هم پیش ببرم. هر چند بیابانی، پنجمین دهه از عمر خود را سپری می‌کند، برای معرفی همسایه خوب، به جای انتخاب از میان هم‌وسالان خود، نام محمد ناصری را می‌آورد که جوانی دهه شصتی است.

● همسایه، مثل خانواده

«آقای ناصری را از بچگی می‌شناسم. بچه‌ای کاری بود و وقتی خانواده یا همسایه‌ها از او درخواستی داشتند، نه نمی‌گفت و هنوز هم نمی‌گوید. هر جا نیاز به حمایت مالی از یک کار خیر باشد، پیش قدم است، چه برای دروی، چه برای فلان روستای دور افتاده.» منظور بیابانی از روستای دور افتاده، آبکمه، از توابع شهرستان کلات است که ناصری، دهیاری آن را برعهده دارد و در حال ساخت مسجدی در آن است که بر اثر سیل، تخریب شده است. او با وجود سکونت در کوچه چهارده معصوم ۳۱ و مشغله‌های کاری در زمینه برق‌کشی ساختمان، خیرخواهانه، امور دهیاری روستا را هم تقبل کرده است و برای رفع محرومیت از آن تلاش می‌کند. می‌گوید: همسایه‌ها مثل خانواده‌ات هستند. اگر خوب و همدل باشند، حس آرامش و امنیت داری. همسایه‌داری، به اندازه دورانی که بچه بودم نیست اما من رابطه دوستانه‌ام را با همسایه‌های خوبم حفظ کرده‌ام، درست مثل قدیم‌ها.



در ایام شهادت حضرت زهرا^(س) در محله سپس آباد رقم خورد شهید گمنام، میهمان مجتمع حضرت مهدی^(عج)

شهامت در ایام شهادت حضرت فاطمه^(س)، فضای مجتمع حضرت مهدی^(عج) در محله سپس آباد، معطر به حضور شهیدی گمنام شد. این شهید والا مقام در عملیات والفجر ۳ در مرز مهران به مقام رفیع شهادت رسیده است. روایتگری و مداحی از دیگر بخش‌های این مراسم معنوی بود که چهارشنبه گذشته با حضور طلاب، دانش‌آموزان، استادان و عموم مردم برگزار شد.



فاز نخست سالن قائم^(عج) در روزهای پایانی

فاز نخست سالن چند منظوره قائم^(عج) در محله بلال که شامل سوله اصلی بازبینای ۱۲۰۰ مترمربع است، در مراحل پایانی قرار دارد و فاز دوم آن حدود چهل درصد پیشرفت کرده است. این مجموعه دارای سالن ورزش‌های توپی و تشکی، سالن بدن‌سازی، سالن تی‌آر ایکس و امکانات رفاهی است.

کوچه شهید بیگی ۶ نوشد

شهرداری منطقه ۳ عملیات روکش آسفالت خیابان بهمن ۳۴/۴، بیگی ۶ به مساحت حدود ۱۱۰۰ مترمربع را به پایان رساند. این عملیات با مصرف ۱۴۰ تن آسفالت و اعتبار ۴ میلیارد و ۱۶۵ میلیون ریال اجرا شد و مسیر پس از تکمیل برای تردد شهروندان آماده شده است.

طعمه در مسیر موش‌ها

اداره خدمات شهری منطقه ماماها گذشته طرح طعمه‌گذاری برای کنترل حیوانات مودی را در ۶۹ نقطه از شهر شامل کانال‌ها، مخازن زباله، بوستان‌ها و معابر شهری اجرا کرد. این عملیات به صورت مستمر ادامه دارد و نیروهای خدمات شهری به صورت دوره‌ای اجرای آن را پیگیری می‌کنند.



شهر خبر



شما می توانید اخبار کوچه و خیابان خود را به شماره ۰۹۰۳۹۲۵۸۶۶۷ در پیام رسان ایتا بفرستید.

○ مشاوره حقوقی رایگان در دفتر تسهیلگری

گرفتار بودن مردم با مسائل حقوقی و ناآگاهی آن ها از باید ها و نبایدهای آن، باعث برگزاری سلسله جلسات هفتگی در دفتر تسهیلگری و توسعه محلات رده، پنجتن، شهید قربانی، وحید و التیمور شده است. این برنامه به صورت منظم، دوشنبه هر هفته ساعت ۹ آغاز می شود و تا ساعت ۱۲ ادامه دارد و در آن، وکیل پایه یک دادگستری به رایگان، به سؤالات حقوقی اهالی پاسخ می دهد. مسائل خانوادگی، ملکی، قراردادها و حقوق شهروندی، تعدادی از مشکلات پرتکرار مطرح شده از سوی مراجعه کنندگان است.



○ نیایش جمعی برای طلب باران

هفته پیش، معبر مقابل مسجد جوادالائمه (ع) واقع در خیابان میثم شمالی ۹ شاهد اجتماع جمعی از اهالی محله رده برای طلب بارش رحمت از خداوند بود. این برنامه که ساعت ۱۰ صبح چهارشنبه گذشته برگزار شد، با استقبال اهالی همراه شد و شامل مناجات و نیایش به درگاه الهی و اقامه نماز باران بود. فعالان مساجد خیابان میثم شمالی، بانی برگزاری این مراسم معنوی بودند. در رویدادی مشابه، دختران دبیرستان شهید حسن جلال آبادی در محله التیمور نیز نماز باران را در حیاط مدرسه، به جماعت اقامه کردند.



○ دور جدید آموزش های سواد رسانه در مسجد طالقانی

رسانه ها چگونه کار می کنند، چه اهدافی دارند و چطور روی تصمیمات و زندگی ما تأثیر می گذارند؟ پاسخ به این پرسش ها تنها تعدادی از سرفصل های کارگاه سواد رسانه را تشکیل می دهد که پنجشنبه پیش به میزبانی مسجد آیت ا... طالقانی برگزار شد. حضور هم زمان دختران و مادران نشان از نکات این دوره آموزشی رایگان بود که به همت پایگاه بسیج خواهران حضرت ام کلثوم (س) تدارک دیده شد. دور قبلی این کارگاه، مرداد امسال برگزار شد و استقبال بانوان محله رده از آن، مسئولان برگزاری را به ادامه این دوره، مجاب کرد.

○ مسجد سلمان فارسی، حامی مشاغل خانگی

فرزانه شهامت فعالان مسجد سلمان فارسی در محله پنجتن برای حمایت از مشاغل خانگی و کسب و کارهای کوچک پای کار آمدند. راه اندازی یک بازارچه محلی، ایده ای است که با همین هدف، طراحی شده است تا علاوه بر بهبود معیشت تولید کنندگان، با حذف واسطه ها، کالاها ارزان تر به دست مصرف کنندگان برسد. صنایع دستی، مواد غذایی تهیه شده به روش سنتی، کالاهای عفاف و حجاب و محصولات فرهنگی، بخشی از رسته های تعریف شده برای عرضه تولیدات در این بازارچه است و علاقه مندان به این رویداد اقتصادی و فرهنگی برای شرکت در آن می توانند یکشنبه ها ساعت ۱۲ تا ۲۰ در این مسجد واقع در صادقیه ۲۴ حضور داشته باشند.



لای روبی مسیرهای آب رو

شهرداری منطقه ۴ مشهد اعلام کرد از ابتدای سال تاکنون بیش از ۲۱ هزار متر طول جداول و کانال های منطقه به روش های سنتی و مکانیزه لای روبی شده است. بنابر این گزارش، این اقدامات با هدف پیشگیری از آب گرفتگی و ارتقای ایمنی شهری انجام می شود. همچنین در مهرماه امسال ۳ هزار و ۶۰۰ متر مسیر آب رو پاک سازی شده است.

تخلف در ساخت و ساز زیر تیغ قانون

از ابتدای آبان تاکنون، ۲۳۵ تخلف ساخت و ساز در سطح شهر شناسایی و پلمب شده و در همین مدت ۱۸۲ مورد نیز فک پلمب انجام شده است. علاوه بر این، یک عملیات برش اسکلت به مساحت حدود ۲۵ متر مربع در بولوار طبرسی شمالی اجرا شده است. این اقدامات در چارچوب سامان دهی ساخت و سازهای شهری به انجام رسید.

جمعه های بانشاط در التیمور

مسابقات جام والیبال «ایران مقتدر و متحد» ویژه آقایان در رده سنی آزاد، هر جمعه در سالن آرامش در محله التیمور برگزار می شود. در مرحله گروهی این رقابت ها ۴۸ دیدار انجام شد و در پایان، شانزده تیم به مرحله حذفی رسیدند. برگزاری این مسابقات، فضای پرنشاطی برای ورزشکاران و علاقه مندان ایجاد کرده است.



شهر خبر

۴

با پیگیری شهرآرامحله و شهرداری، شرکت آب و فاضلاب دست به کار شد

بهسازی آسفالت پنجتن ۶۹

محمدرضا فیضی اچهارم آبان در صفحه ۸ شهرآرامحله، پیام یکی از شهروندان محله التیمور را منتشر کردیم که از تأخیر در روکش آسفالت کوچه پنجتن ۶۹ پس از عملیات نوسازی شبکه آب گلایه کرده بود. سعید طبسی در این پیام اشاره کرده بود که آسفالت تخریب شده هنوز بهسازی نشده و این وضعیت موجب نگرانی از عبور و مرور و ایمنی مسیر شده

است. برای پیگیری موضوع، با رئیس اداره عمران و حمل و نقل شهرداری منطقه ۴ ارتباط گرفتیم. احمد وفا کیش ظرف دو روز با معاون بهره برداری و توسعه آب شرکت آب و فاضلاب مشهد مکاتبه و گلایه شهروندان را همراه با مستندات ارسال کرد. شهرداری در این نامه تأکید کرد هرگونه حوادث احتمالی مالی و جانی مسئولیتش برعهده شرکت و پیمانکار است.

پس از این پیگیری ها، هفته گذشته، عملیات بهسازی و روکش آسفالت انجام شد و پس از شست و شوی مسیر، کوچه پنجتن ۶۹ دوباره در اختیار ساکنان قرار گرفت و رفت و آمد امن شد.



گزارشی از شکل‌گیری هیئت منتظران ظهور که در پارکینگ بوستان ارم میزبان عزاداران است

۱۸ شبانه روز خدمت فاطمی



محمدرضا فیضی اراست می‌گویند که مهم‌ترین حرف‌ها، ناگفتنی‌ترین آن‌هاست. همان‌ها که دلت نمی‌خواهد با کسی در میان بگذاری، حتی پس از آنکه قضیه، ختم به خیر شده باشد. گاهی که چند سال پیش به زندگی جوان محله پنچتن افتاده بود و هیچ جوره باز نمی‌شد، یکی از همین ماجراهای مگوست. آن زمان محمد مهدی ابراهیم پور هر چه فکر کرد، راهی به ذهنش نیامد جز کوبیدن در خانه بانویی که پای روضه‌ها زیاد شنیده بود از کرامتش و اینکه دست‌رد به سینه هیچ سائلی نمی‌زند. مهربانی مادرانه حضرت فاطمه (س) کار خودش را کرد و مشکلات، معجزه‌آسای خودشان را از زندگی او بیرون کشیدند. مویی که فاطمیه امسال برای چهارمین سال متوالی در پارکینگ بوستان ارم، برپا شده، نشانه‌ای از قدرشناسی و اظهار ارادت محمد مهدی و رفقاییش در هیئت منتظران ظهور به ساحت بانوی دو عالم است.

ادای نذر با کمک رفقای هیئتی

جوان است، از نوع دنیادیده و معتقدش. این را می‌شود از رفتار سنجیده و آرامش و اطمینانی که در صحبت‌هایش موج می‌زند، فهمید. آن طور که تعریف می‌کند، مهم‌ترین تجربه‌های زندگی‌اش نه به حالاکه سنش ۲۳ است، بلکه به پنج سال پیش برمی‌گردد و باز هم ماجرای همان گره، که از گفتن جزئیاتش خودداری می‌کند: «نذر کردم اگر خانم به من عنایت کنند و سنگ بزرگ زندگی‌ام را از پیش پایم بردارند، در ایام فاطمیه به یادشان موکب راه بیندازم و نوکری عزاداران را بکنم. مشکلم حل شد و حالا نوبت من بوده که سر قولم بایستم.»

او برای ادای نذرش، به همراهی کسانی نیاز داشت که مثل خودش، مهر فاطمه زهرا (س) را در سینه داشته باشند و چه کسانی بهتر از رفقای مسجدی و هیئتی‌اش: «قضیه را که مطرح کردم، استقبال کردند. اولین ایستگاه را ایام فاطمیه پنج سال پیش راه انداختیم، مقابل مسجد موسی بن جعفر (ع)، در حاشیه بولوار پنچتن. از سال بعد، آمدیم پارکینگ بوستان ارم.»



معترضی که بانی خیر شد

برپا داشتن عزای فاطمی، برای محمد مهدی و دوستانش، آن قدرها که به نظر می‌رسد، ساده نبوده است. آواز مشکلات ریز و درشتی می‌گوید که هر سال بر سر راهشان سبزی می‌شود و اگر عنایت مستقیم صاحب این عزاخانه نبود، شاید به سال دوم هم نمی‌رسید: «هیچ وقت یادم نمی‌رود، سال اول وقتی می‌خواستیم خیمه را جلو مسجد برپا کنیم، سرمای استخوان سوز از یک طرف و بی‌تجربگی ما و مخالفت یکی از کسبه، سدر همان شده بود. آن کاسب می‌گفت خیمه، دید مغازه‌ام را می‌گیرد و مشتری‌هایم کم می‌شوند. بیراه نمی‌گفت بنده خدا. خیمه ما شش متر عرض داشت. هر چه می‌گفتیم شما همسایه مسجد هستید و این کار برکت دارد، قبول نمی‌کرد تا اینکه همسرش پادرمیانی کرد و بالاخره رضایت آقای همسایه را گرفتیم.»

محمد مهدی ادامه می‌دهد: آن سال، فاطمیه که هیچ، ده دوازده روز محرم را هم خیمه زدیم. باز آقای همسایه سراغمان آمد، نه برای اعتراض. درخواستش این بود که خیمه را جمع نکنیم؛ چون در آن مدت، درآمدش دو برابر شده بود! او بایبختن اضافه می‌کند: برکت برای این کاسب که مغازه‌اش پشت خیمه عزاداری است، به همین‌ها خلاصه نشد و خدا بعد از بیست سال، چشم او و همسرش را به آمدن یک نورسیده، روشن کرد. حالا آقای همسایه شده است یکی از خیران پروپاقرص موکب. فرقی هم نمی‌کند مناسبت برپایی‌اش عزای مادر سادات باشد یا فرزندش، حضرت اباعبد... (ع). عنایت در این خاندان مادر و پسر نمی‌شناسد.



فراترازموکب

موکب برای بچه های هیئت منتظران ظهور، یک خیمه چندروژه نیست فقط؛ شروع جریانی بود که کم کم در زندگی تک تکشان ریشه دواند. محمد مهدی، باورمندتر، آرام تر و قاطع تر از پیش، از ادامه مسیر می گوید: مافقط یک هیئت نیستیم که سالی یکی دو موکب بزنند و تمام. هویت مجموعه ما گسترده شده است. هیئت هفتگی داریم، درایام شادی واندوه اهل بیت^(ع) برنامه داریم، موکب می زنیم، علم کشی می کنیم ودر تمام سال، روزی خورسفره اهل بیت^(ع) هستیم. بعضی از فعالیت هایی که او اسم می برد؛ محدود به محله پنجتن نیست و دامنه خدمات جهادی شان به دیگر محلات شهر هم کشیده می شود؛ «باخبریه های مختلف، همکاری داریم. هر دفعه که نیکوکاران برایشان وسیله می فرستند، بابچه های هیئت می رویم برای کمک تا توزیع، زودتر و راحت تر انجام شود. مثلاً یک دوره، سی تابخاری برای خانواده های نیازمند جور شد خدا را شکر. کار تخلیه و آماده سازی رادوستان هیئتی ام انجام دادند.»

رهایی از زندان خدمت در موکب

علی جوانی است که تازه به جمع خادمان این موکب پیوسته. تنها چند روز آزادی اش از زندان می گذرد و از همان لحظه ای که بیرون آمده، خودش را مستقیم به همین جارسانده است تا در حد توان خدمت کند.

۲۶ سال دارد و از کودکی همراه پدر مرحومش در هیئت ها و تکیه ها بزرگ شده است. داستان حضور دوباره اش در فضای هیئتی را بر ایمان این طور تعریف می کند: چند شب پشت سر هم در زندان خواب می دیدم که موکب بچه های محله خراب شده و امسال قرار نیست برپا شود. دلم آشوب بود؛ نمی توانستم قبول کنم چراغ این موکب در ایام شهادت حضرت زهرا^(س) خاموش بماند. همین دل نگرانی باعث شد به محض آزادی، خودم را به موکب برسانم و بگویم هر کاری از دستم بر بیاید، در خدمتم.

بچه های هیئت هم با گرمی از او استقبال کردند و حالات تقریباً یک هفته است که شبانه روز در موکب حضور دارد؛ سماورها را آب می کند، چای و دم نوش رادم می کند، گاهی خودش چای می ریزد و خلاصه، لحظه ای از خدمت دور نمی شود. با بغضی در صدا و چهره ای که خستگی در آن پیدا است، فقط یک آرزو می کند: «در زندگی با آدم های مختلفی گشتم و بعضی هایشان رفیق خوبی نبودند. از خدایم خواهم راه درست را پیش پایم بگذارد تا آینده ام مثل گذشته ام نباشد.»

اینجا صبورتر می شوم

مطهره فاطمی یکی از دختران هیئت «روضه الرقیه^(س)» در محله شهید قربانی است که امسال در حسینیة کودک این موکب مشغول به خدمت شده است. این غرفه فعالیت هایی دارد مثل بازی، نقاشی با موضوع شخصیت ها و داستان های پیامبر^(ص) و ائمه^(ع) و آموزش مفاهیم اخلاقی و دینی به کودکان.

او در این واحد، به مراقبت و سرگرم کردن بچه هایم پردازد و در زمان مراسم یا پذیرایی والدین، کنار کودکان می ماند. می گوید: بیشتر مراجعه کنندگان بین سه تا سیزده ساله هستند و بچه ها با شور و علاقه در برنامه ها شرکت می کنند. کسی از آن ها انتظار یا درخواستی ندارد ولی در برخی فعالیت ها کمک هم می کنند. همه این تجربه ها برای من به عنوان یک خادم، شیرین است. مطهره درباره تأثیر این فعالیت روی خودش، می گوید: فعالیت در غرفه باعث شده است صبورتر شوم و تجربه های خوبی در کار با بچه ها کسب کنم. امیدوارم این کار کوچک، با کمک اهل بیت^(ع)، راهگشای مسیرم در دنیا و آخرت باشد.

نتیجه صبوری ها

برنامه ها بالا رفت. تا آن زمان، برنامه ها را در حسینیة ای برگزار می کردیم که می افتاد پشت مسجد موسی بن جعفر^(ع). وقتش بود که برنامه ها را ادغام کنیم. «ابراهیم پور از برکت کار در مسجد وزیر پرچم مسجد می گوید و درباره قرار ثابت یا دوستان مسجدی و هیئتی اش در جمعه شب ها تعریف می کند: دیدارهایمان را محدود نکردیم به مناسبت ها. مناسبتی باشد یا نباشد، ما هر هفته همدیگر را می بینیم؛ جمعه شب ها ساعت ۲۰ تا ۲۲. هر برنامه ای هم داشته باشیم، مدیران مسجد از هیئت حمایت می کنند و هیئت هم بازوی مسجد است. مادر واقع یک مجموعه هستیم. این همدلی و رفت و آمدهای مستمر، جلساتی ساده را به مجموعه ای با پرجاتبدیل کرده است.

ریشه این دورهمی جوانانه را باید در سال هاپیش جست و جو کرد؛ در بازی های کودکانه پسر بچه های محله پنجتن و شیطنت هایی که گاه پای روضه و منبر انجام می دادند و اقتضای سن و سالشان بود. صبوری بزرگ ترهای مسجد، نتیجه داد و موکبی که اکنون با نظم و شکوه، در پارکینگ بوستان ارم در حال برگزاری مراسم است، یکی از میوه های این درخت پربرکت به شمار می رود؛ «ما از بچگی مان در دم و دستگاه اهل بیت^(ع) بزرگ شدیم. بزرگ تر که شدیم، دغدغه بازی ها و اختلافات بچگانه هم کنار رفت و تصمیم گرفتیم برای اعتقاد اتمان کاری کنیم. هیئت منتظران ظهور را به صورت رسمی از سال ۱۳۹۵ با کمک بچه های محله که هم بازی کودکی هایمان بودند، پایه گذاری کردیم. جمعیمان بیشتر و بیشتر شد و وسعت و کیفیت



عشق انگیزه خدمت

با هماهنگی مسئولان هیئت، عکاس در محل موکب حضور دارد تا هر کس بخواهد کنار علم یا به صورت خانوادگی عکس بگیرد، بتواند رایگان این خدمت را دریافت کند و فایل عکسش را تحویل بگیرد. با کمک خیران، بساط پذیرایی از عزاداران هم گرم است و در شب های مختلف با آتش، عدسی، حلوا و... از مردم پذیرایی می شود. بار این حجم از خدمت، تنها روی دوش بیست نفر است که حدود پنج نفر از آن ها، ثابت و شبانه روزی، خود را وقف امور موکب کرده اند. در شلوغی پذیرایی از انبوه عزاداران، مجالی برای گفت و گو با خدام نیست. به قول یکی از آن ها، تا عشقش را نداشته باشی، یک سنجاق هم جابه جانی کنی، چه برسد به جابه جایی داربست شش متری و پرچم در سرما.

موکب امسال از ۱۶ آبان شروع شده است و به نیت سال های عمر حضرت زهرا^(س)، هجده شبانه روز ادامه دارد. جای تمام عزاداران فاطمی، در این موکب با صفا خالی است. در شب اول چراغ عزاداری، با احترام روشن و یکی از سادات محله، نخستین چای موکب رادم کرد. موکب، ساعت کار ندارد و در هر ساعت از شبانه روز به آن سر بزنید، خدمتی را با چاشنی احترام به عزادار فاطمه زهرا^(س) دریافت خواهید کرد. از جای خانه اصلی که بگذریم، به حسینیة ای که برای عزاداری و نماز برپا شده است، می رسمیم. کمی آن سوتر، جایگاه علم برای زیارت و عکس قرار دارد. نمایشگاه فاطمیه، حسینیة و غرفه کودکان و غرفه خوش نویسی نیز دایر است.

ابوالفضل عباسی، نوجوان رزمی کار طبرسی شمالی، لذت بالابردن پرچم ایران را در مسابقات جهانی چشیده است

ورزش هزینه نیست؛ سرمایه گذاری است

امید محله

است. وقتی بعد از پایان مسابقه تماس تصویری گرفت، اول مدالش را نشانم داد. از خوشحالی فریاد می زدم و خوشحال بودم. اما از جراحتش ناراحت شدم. همان شب، پدرش به ابوالفضل گفت ارزش خوشحالی مادرت از هر چیزی بالاتر است.

اهداف آینده و آرزوی ساختن برای محله

وقتی از ابوالفضل می پرسیم در پنج یا ده سال آینده خودش را کجا می بیند، پاسخ می دهد: اولین هدفم حضور در رقابت های وان چمپیونشیپ تایلند است. شرط ورود به این مسابقات سطح اول جهان، داشتن چندین مقام قهرمانی جهانی است. اگر با همین میزان تلاش و همت ادامه دهم، چهار سال دیگر می توانم شرایط لازم را کسب کنم. هدف دیگرم این است که بازیکن ثابت تیم ملی ایران شوم. ابوالفضل اما تنها به قهرمانی های شخصی فکر نمی کند؛ او می خواهد کاری بزرگ برای شهر و محله اش انجام دهد؛ «آرزوی من داشتن یک باشگاه یا آکادمی ورزشی بزرگ است تا بتوانم نوجوانان و جوانان با استعداد محله را که شاید به دلیل مسائل اقتصادی از ورزش دور مانده اند، آموزش دهم. دلم نمی خواهد کسی به خاطر مشکلات مالی از ورزش حرفه ای دست بکشد.»

علیرضا عباسی، پدر ابوالفضل، این آرزو را همراهی می کند. او حامی و مشوق اصلی پسرش است و معتقد است استعدادهایی مانند ابوالفضل در محله های این شهر بسیار زیادند و فقط نیاز به کشف و حمایت دارند. پدر ابوالفضل عباسی اعلام آمادگی کرده که در صورت حمایت شهرداری یا هر نهاد دیگری، حاضر به خرید زمین و تأسیس یک آکادمی ورزشی برای محله طبرسی شمالی است تا با کمک امین حسینیان و دیگر مربیان این منطقه، کودکان و نوجوانان با استعداد را شناسایی کند و حمایت مالی از آنان را برای رسیدن به جایگاه های جهانی بر عهده بگیرد.



سکینه تاجی | ابوالفضل عباسی، متولد سال ۱۳۸۷ در محله طبرسی شمالی مشهد، فرزند سوم یک خانواده گرم و صمیمی است. داستان زندگی او حکایتی از عشق به ورزش، هدف گذاری، تلاش و پشتکار و در نهایت رسیدن به قله های موفقیت در نوجوانی است. علاقه اش به ورزش از کودکی و با دیدن رفت و آمد هم سن و سال هایش به باشگاه شکل گرفت. هیجان ورزش کردن دیگران، او را نیز به وجد می آورد. تماشای فیلم های رزمی، دیگر علاقه ای بود که ذهن او را به خود مشغول می کرد؛ گویی خود را در نقش قهرمانان آن فیلم ها تصور می کرد که در صحنه ای از یک مبارزه واقعی، پیروز مندانده می درخشیدند.

شروع از پرورش اندام، ادامه در مبارزه

علاقه به ورزش، در سال ۱۴۰۰ ابوالفضل را به دنیای پرورش اندام کشاند و او به طور حرفه ای این رشته را دنبال کرد. اما سرنوشت مسیر دیگری برایش رقم زد؛ در حالی که خود را برای مسابقات «فیتنس چلنج» ۱۴۰۲ آماده می کرد و تحت نظر استاد مجید عجم تمرین می کرد، حادثه سقوط بالگرد و شهادت رئیس جمهور و همراهانش باعث لغو مسابقات شد و مسیر حرفه ای او تغییر کرد. پس از این اتفاق، آشنایی با مربی رزمی، نقطه عطفی در زندگی ورزشی اش شد. ابوالفضل می گوید: به دنبال یک مربی حرفه ای بودم که با آقای امین حسینیان آشنا شدم. با شروع تمرینات حرفه ای تحت نظر او، وارد دنیای پرهیجان و چالش برانگیز کیک بوکسینگ شدم.

از تمرینات فشرده تا درخشش در عرصه جهانی

حاصل سه سال فعالیت سخت کوشانه ابوالفضل در رشته رزمی کیک بوکسینگ، کسب سه مقام قهرمانی درخشان بود: مدال طلای مسابقات کشوری کیک بوکسینگ و کاراته، مدال طلای مسابقات جهانی ترکیه که شهرپور امسال و مدال برنز مسابقات جهانی باکو که به تازگی و در تاریخ ۲ تا ۵ آبان با حضور هفده کشور در جمهوری آذربایجان برگزار شد. اما انگیزه ادامه این ورزش پرچالش، یک موفقیت زود هنگام بود؛ «تمریناتم در رشته جدید و با مربی جدید، از همان ابتدا جدی و هدفمند بود. تنها چند ماه با اولین مسابقه جهانی فاصله داشتیم و آقای حسینیان اصرار داشت که در این رقابت ها حضور یابم. تمام آن چند ماه به تمرینات فشرده و طاقت فرسا گذشت.» نتیجه این تلاش ها، زمانی مشخص شد که ابوالفضل آمادگی لازم برای حضور در بازی های آزاد ترکیه را به دست آورد و در همان اولین حضور بین المللی، به مقام قهرمانی دست یافت.

او در توصیف حال و هوای مسابقات جهانی می گوید: در مسابقات جهانی از خودم خیلی مطمئن بودم، زیرا با همه توان تمرین کرده بودم و بدتم در نهایت آمادگی بود. اولین مسابقه با حریفی از کشور ترکیه که کشور میزبان هم بود، انجام شد. تقریباً تمام سالن داشت تشویقش می کرد. رانداول با یک اختلاف امتیاز به نفع او تمام شد. اما در استراحت یک دقیقه ای بین دوراند، مربی ام طوری به من انرژی داد و با من برخورد کرد که در راند بعدی با اختلاف دو امتیاز بردم و در نهایت مبارزه به نفع من تمام شد.

لذت بالابردن پرچم ایران

نوجوان مبارز محله طبرسی شمالی درباره انتخاب ورزش حرفه ای به عنوان هدف زندگی اش می گوید: ورزش فقط رسیدن به مقام و رتبه های جهانی نیست، بلکه سلامت جسمانی و قدرت ذهنی نیز به همراه دارد. لحظه ای که در صحنه های جهانی نام ایران اعلام می شود و پرچم کشورمان بالا می رود، لذتی وصف ناپذیر است. ورزش، به هر حال، نوعی سرمایه گذاری است. ابوالفضل که هم اکنون دانش آموز سال آخر دبیرستان است، معتقد است یک ورزشکار حرفه ای باید دانش علمی هم داشته باشد و از فیزیولوژی بدن آگاهی کافی پیدا کند. به همین دلیل، قصد دارد در رشته تربیت بدنی ادامه تحصیل دهد تا هم در مسیر ورزشی و هم علمی پیشرفت کند.

تکیه به دیوار محکم خانواده

با اینکه حمایت رسمی چندانی از ورزشکاران رزمی نمی شود، ابوالفضل پشتوانه ای قوی در خانواده خود دارد. او می گوید: باید از پدر و مادرم تشکر کنم. اگر دلسوزی و حمایت آن ها نبود، من هم حالا در این جایگاه نبودم. از روزی که تصمیم گرفتم ورزش را حرفه ای دنبال کنم، پدرم از من حمایت کرد و مادرم با کنار گذاشتن نگرانی های مادرانه همیشه دعاگوی من بود.

فاطمه کریمی، مادر ابوالفضل، اگرچه ابتدا با ورزش رزمی پسرش کمی مخالف بود، حالا به او می بالد: «شبی که فهمیدم قهرمان شده و مدال طلا گرفته است، خیلی خوشحال شدم. البته به دلیل آسیبی که دیده بود، واقعا نگرانش بودم. ورزشش را دوست دارم و به موفقیتش افتخار می کنم، اما همیشه به عنوان یک مادر دل نگرانی دارم؛ به ویژه در رشته ای مثل کیک بوکسینگ که احتمال آسیب زیاد است.

او ادامه می دهد: شب مسابقه، هزاران کیلو متر دورتر از پسر می تابم و مطمئن بودم که آسیب جدی دیده





درباره پایگاه ازدواج آسان در محله فاطمیه که از ماه پیش، شکل رسمی به خود گرفته است

۱۸ پیوند مبارک، ثمره واسطه‌گری در مسجد

فرزانه شهامت | به این یک ماه که از افتتاح رسمی پایگاه ازدواج آسان و فرزندآوری مسجد چهارده معصوم^(ع) می‌گذرد، نگاه نکنید. سابقه فعالیت بانوان مسجدی برای سروسامان دادن به زندگی مجردهای محله فاطمیه، بیش از این هاست. ثمره خیرخواهی شان در این حدود دو سال شده است. هم‌جده ازدواج که همگی موفق بوده‌اند و در هیچ کدام، ردپایی از اختلافات عمیق دیده نمی‌شود.

● رویش در روزهای کرونایی

محله‌ای با ساکنان قدیمی که همسایه‌ها در آن همدیگر را به خوبی می‌شناسند و فرزندان دم بخت یکدیگر را در دورهمی‌های مختلف محلی بارها دیده‌اند، چه نیازی به مجموعه‌ای برای واسطه‌گری ازدواج دارد؟ فاطمه احمدیان، مدیر پایگاه ازدواج آسان و فرزندآوری مسجد چهارده معصوم^(ع)، برای پاسخ به این پرسش، زمان را به چند سال پیش برمی‌گرداند که کرونا در کوچه پس‌کوچه‌های شهر، جولان می‌داد و تلفات می‌گرفت؛ بعضی هم محله‌ای‌ها درگیر بیماری شده بودند و کسی را نداشتند که اموراتشان را برطرف کند. در ضمن فعالیت‌های جهادی و اینکه داشتیم بیماران کرونایی را شناسایی می‌کردیم از خانواده‌ها سؤالاتی می‌پرسیدم تا هم فضای محله، بهتر دستم بیاید و هم درک بهتری از مشکلات و نیازهای اهالی داشته باشم. در همین بین، متوجه نکته عجیبی شدم؛ مجردهای محله بیشتر از چیزی بودند که تصور می‌کردم. سن و سالشان از ۲۳ سال بود تا شصت ساله. زیاد بودند خانواده‌هایی که بیش از یک

عضو مجرد داشته باشند. باید کاری می‌کردم.

● تولد کارگروه برای تسهیل ازدواج

نتیجه دغدغه‌مندی احمدیان برای ازدواج مجردهای محله، تشکیل کارگروهی در مسجد چهارده معصوم^(ع) و در دل پایگاه بسیج امام زمان^(عج) بود. او که فرماندهی این پایگاه را برعهده دارد، با کمک جمعی از بانوان دلسوز و خوش‌نام محله فاطمیه، برای کارگروه ازدواج و فرزندآوری، چند زیرشاخه تشکیل دادند و مسئولیت هر کدام از آن‌ها را به یکی از بانوان بسیجی سپردند؛ «برای مراحل مختلف، برنامه ریخته بودیم. سه تا از خانم‌های محله در دره‌های سنی مختلف، روی واسطه‌گری ازدواج کار می‌کردند و موردی را که کفو هم‌دیگر بودند، به خانواده‌ها معرفی می‌کردند. با حوصله،

پیگیر قضیه بودند تا اگر مانعی بر سر راه وصلت‌ها هست در حد توان، از میان بردارند. گروه دیگری از خانم‌ها، روی مرحله پس از وصلت که فرزندآوری است، کار می‌کنند. برخی دیگر در زمینه محرومیت‌زدایی فعالیت می‌کنند تا اگر مادر باردار یا شیرده، وضعیت معیشتی مناسبی ندارد، رفع و رجوع کنند.»

● رسمی شدن فعالیت پایگاه

نتیجه این فعالیت‌های جهادی و خیرخواهانه، مورد توجه مرکز رسیدگی به امور مساجد، اداره کل اوقاف و امور خیریه، شهرداری و آستان قدس رضوی هم قرار گرفته و این مجموعه مردمی و خودجوش، از ماه گذشته به عنوان یکی از پایگاه‌های رسمی ازدواج آسان و فرزندآوری مشهد انتخاب شده است.

● معرفی گزینه هم‌کفو

آرامشی که نرگس و همسرش، زیر سقف زندگی مشترک تجربه می‌کنند، مدیون واسطه‌گران ازدواج در پایگاه مسجد چهارده معصوم^(ع) است. این دو، یکی از هم‌جده زوج محله فاطمیه هستند که با کمک این پایگاه، بهار امسال، یک سالگی وصالشان را جشن گرفتند. می‌گویند: خدا خیر رابط ازدواج در پایگاه را بدهد. آقارضا، همسر مرا آنجا به من معرفی کردند. او همان ویژگی‌هایی را داشت که دلم می‌خواست همسر آینده‌ام داشته باشد. او ادامه می‌دهد: کار رابط فقط یک معرفی ساده نبود و در همه مراحل خواستگاری و عقدکنان هم حضور داشت. چند ماهی می‌شود که خوشبختی من و شوهرم با به دنیا آمدن دخترمان، نازنین، کامل شده است.



گروه جهادی شهید رودباری، میهمان کودکان و نوجوانان محله شهید قربانی بود

۴ گعده‌هایی برای یادگیری



خانواده‌ها ۷ ساعت ۷ صبح در مراسم دعای ندبه مسجد شرکت کنند. سپس، از میان کلاس‌ها، ریاضی و ساخت رز باروبان را انتخاب کنند.

او، خوشحال از شرکت در بخش هنری این رویداد، می‌گوید: یاد گرفتنم باروبان گل درست کنم. از این به بعد می‌توانم دوستانم را با گل‌های روبانی رنگارنگ، غافلگیر کنم.

● تا آخرین لحظه با آن‌ها هستیم

محمد سجاده‌آزاده رضوانی، دانش‌آموز پایه هشتم، شرکت‌کننده دیگری است که از طریق فضای مجازی متوجه این رویداد فرهنگی در مسجد حضرت زینب^(ص) شده است.

صبح در کلاس عقیدتی شرکت کرده، درباره امام زمان^(عج) مطالبی شنیده است و با اطمینان، درباره امر فرج و پایان شیرین دنیا، صحبت می‌کند.

کلاس‌های بعدی اش ریاضی، انگلیسی و تدوین است و آن‌طور که می‌گوید تا آخرین لحظاتی که جهادگران در مسجد باشند، با آن‌ها خواهد ماند.



کرده، این ششمین اردوی جهادی برگزار شده‌شان در داخل و خارج شهر است. می‌گویند: تمرکز اصلی‌مان در این اردو، رده سنی کودک و نوجوان است. از پنج ساله بگیریم تا بزرگ سال، متقاضی شرکت در کلاس‌های علمی، آموزشی و فرهنگی هستند اما بیشتر شرکت‌کننده‌ها دانش‌آموزند. وقتی در ابتدای شروع برنامه که ساعت ۸:۳۰ بود، با حضور پنجاه دانش‌آموز مواجه شدیم، شگفت‌زده شدیم و سر شوق آمدیم.

صدیقی از کلاس‌های ریاضی، عربی، انگلیسی و علوم و فنون به عنوان بخشی از کلاس‌های علمی یاد می‌کند و ادامه می‌دهد: فن بیان، سواد رسانه، ویرایش فیلم و عکس، روبان دوزی، مهدویت، کار با کودک، تعدادی دیگر از کلاس‌هایمان است. او از رفتار دلگرم‌کننده اهالی و آموزش‌گیرندگان با جهادگران می‌گوید و تأکید می‌کند: این برنامه یک روزه با همکاری هیئت قمر بنی هاشم^(ع) و دفتر توسعه محله برگزار شده است و در صورت درخواست اهالی، ادامه خواهد یافت.

● قید خواب شیرینم را زدم

سحر ظفری دختری دوازده ساله است. فهرست برنامه‌هایی که برای رویداد امروز تدارک دیده شده، آن‌قدر برایش جذاب بوده که حاضر شده است قید خواب شیرین صبحگاهی در روز جمعه را بزند، همراه



فرزانه شهامت | انگار نه انگار که صبح جمعه است. مسجد حضرت زینب^(ص) در محله شهید قربانی آن قدر شلوغ است که صدا به صدانمی‌رسد. بیشترشان کودک و نوجوان هستند که با همراهی والدین خود، برای شرکت در کلاس‌های متنوع علمی، آموزشی و فرهنگی یک روزه، مراجعه کرده‌اند. هر سویی این فضای بزرگ، گعده‌ای تشکیل شده است و عده‌ای به دور مربی جهادگر خود حلقه زده‌اند؛ غرق در یادگیری، طوری که گویا هیچ صدایی را به جز صدای مربی خود نمی‌شنوند. جمعیتشان به هشتاد نفر بالغ می‌شود و تا عصر امروز، افزایش این تعداد، دور از انتظار نیست.

● گامی برای تحقق عدالت

هفته با نوبی جهادگری که برای به اشتراک گذاشتن توانمندی‌های خود به طبرسی شمالی ۴۹ آمده‌اند، چند ویژگی مشترک دارند. همگی دهه هشتادی یا حداکثر دهه هفتادی هستند، دانشجوی مقطع کارشناسی‌اند و در یکی از دانشگاه‌های غیرانتفاعی مشهد، به تحصیل مشغول هستند. بسیجی‌اند و برای تحقق عدالت، در حد توانشان پای کار آمده‌اند. این هانکاتی است که ریحانه صدیقی، مسئول گروه جهادی شهید صدیقه رودباری، با ما در میان می‌گذارد. در هشت ماهی که او این مسئولیت را قبول





وکیل نیوسین به کانال شهرآرامحله
منطقه ۳ و ۴ در پلازا سنکیند



طلاب، گلشور، ایثار، تلگرد، وحید، فجر، رده، پنجتن، شهید قربانی
التمور، کوی مهدی

محلات منطقه‌ها

راه آهن، فاطمیه، گاز، مسلم، دروی، سپس آباد، طبرسی شمالی، عباس آباد
رسالت، خیرآباد، بهمن، خواجه ربیع، مهر مادر، بلال، قرقی، مهرگان



علیرضا رجمندی، مسئول کتابخانه مجتمع فرهنگی امام خمینی (ع) در محله خواجه ربیع: در دوره‌ای که فضای مجازی، افراد را از کتاب دور کرده است، باید روش‌های متفاوتی را برای جذب افراد به کتابخانه به کار برد. ما در این کتابخانه با ۷ هزار عضو فعال و ۴۵ هزار کتاب، سعی می‌کنیم با برگزاری کارگاه‌های مهارت زندگی، ارائه مشاوره‌های تحصیلی، فردی و خانوادگی و همکاری با مدارس و مهدهای کودک، لذت حضور در فضای کتابخانه را به اهالی بچشانیم.



راضیه خاوری، کتابدار کتابخانه شهید رجایی در محله بلال: کودکان و نوجوانان در کتابخانه ماجیگاهی ویژه دارند؛ به همین دلیل برای هر کدام، واحد مجزایی در نظر گرفته شده است. من و همکارانم در این کتابخانه با بیش از ۳۲ هزار و ۷۰۰ جلد کتاب در خدمت ۱۳۲۶ عضو هستیم.

به همت شهرآرامحله و در هفته کتاب و کتاب خوانی رخ داد

قدردانی از خادمان کتاب

فرزانه شهماز هفت هفته کتاب و کتاب خوانی، فرصتی مغتنم بود برای قدردانی از خادمانی که در عصر غلبه فضای مجازی، همچنان برای بالانگهداشتن پرچم کتاب خوانی تلاش می‌کنند و برای جذب اعضای جدید در کنار افزایش غنای منابع کتابخانه، دغدغه دارند. به همین مناسبت به تعدادی از کتابخانه‌های فعال در سطح مناطق ۳ و ۴، سرزیم تابه مسئولان و کتابداران آن، تبریک و خداحوت بگوئیم.



لیلی حافظ رضازاده، کتابدار کتابخانه قائمیه در محله شهید قربانی: با تمام مشکلات ریز و درشتی که داریم، برای جذب مخاطبان جدید به کتابخانه تلاش می‌کنیم. حضور در مهد کودکی که در طبقه پایین کتابخانه دایر است و گفت و گوی چهره به چهره با مادران، تنهایی از این راه هاست. کتابخانه ما هشتصد عضو فعال دارد و با بیش از ۲۰ هزار جلد کتاب، به اهالی محله، خدمت فرهنگی ارائه می‌کند.



جعفر اصغری، کتابدار کتابخانه فرهنگ سرای انقلاب اسلامی در محله پنجتن: برای افزایش منابع کتابخانه، پویش نذر دانی را تعریف کردیم. در این پویش، نیکوکارانی که کتاب‌های خود را اهدا کنند، به رایگان به عضویت کتابخانه در می‌آیند. کتاب‌های اهدایی در صورت قابل استفاده بودن در قفسه‌های کتابخانه چیده می‌شود. در غیر این صورت، از محل فروش کاغذ آن‌ها برای تشویق کودکان و نوجوانان عضو کتابخانه، هدایایی تهیه می‌شود.

سمیه کارگر، کتابدار کتابخانه فرهنگ سرای قرآن و عترت در محله بلال: کتابخانه ما با حدود ۸ هزار جلد کتاب، میزبان حدود هفتصد عضو کتاب خوان است. در سه بخش مخزن کتاب‌ها، سالن مطالعه آقایان و سالن مطالعه بانوان، هر روز به جز ایام تعطیل از ساعت ۷ صبح تا دست‌کم ساعت ۱۵، در خدمت مراجعه‌کنندگان هستیم.